

- ◆ (پست) دہریہ جوائنٹ ایس (ایس) ایچ ایم اے (ایچ ایم اے)
- ◆ ایچ ایم اے (ایچ ایم اے) (ایچ ایم اے) ایچ ایم اے
- ◆ ایچ ایم اے (ایچ ایم اے) - ایچ ایم اے (ایچ ایم اے)
- ◆ ایچ ایم اے (ایچ ایم اے) ایچ ایم اے (ایچ ایم اے)

گاہ علوم سانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱۹۹۹



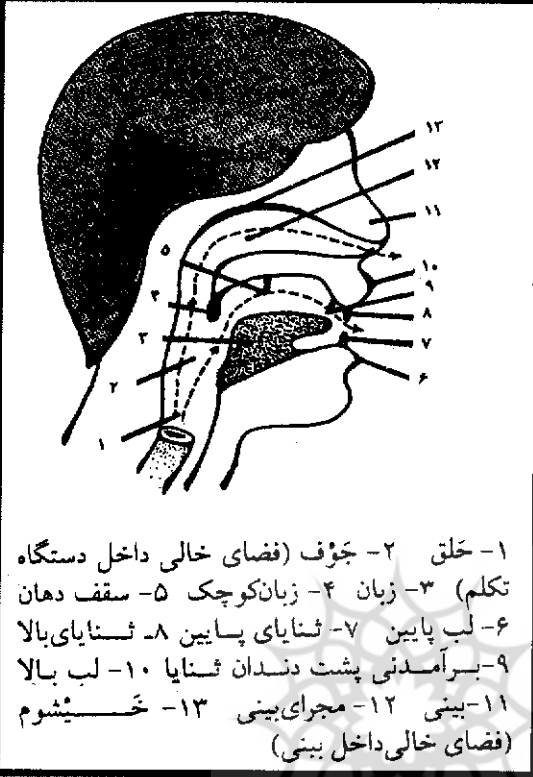
آموزش فنون بیت قرآن کریم

● دکتر محمد رضا ستوده نیا ●

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جایگاه تولید اصوات عربی (مخارج حروف) :

مخرج : جمع آن مخارج و در لغت به معنی محل خروج و اسم مکان است. در اصطلاح عبارت است از، جایگاه تولید حرف و به عبارت دیگر محل حبس هوا یا صوت در نقطه‌ای از اندام‌های گفتاری انسان که از آنجا حرفی تولید و تلفظ می‌شود. موضع : به قسمتی از اندام‌های گفتاری اطلاق می‌شود که در آن چند حرف تولید می‌شود. از نظر قدما و علمای تجوید، مخارج حروف در پنج موضع قرار دارند که عبارتند از : (۱) جوف، (۲) حلق، (۳) لسان، (۴) شفتان، (۵) خیشوم. اکنون به توصیف مختصر هر یک از مواضع پنجگانه می‌پردازیم :



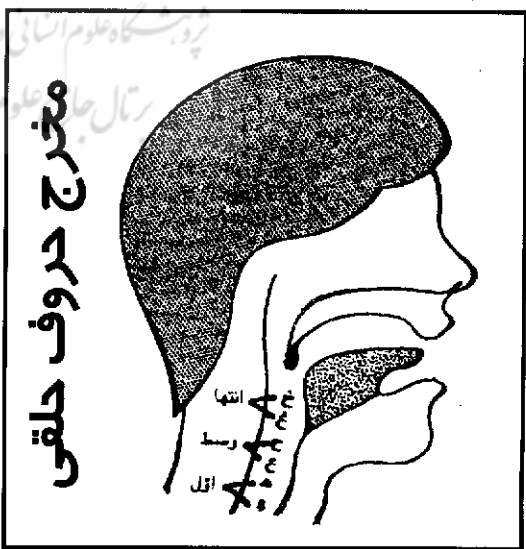
- ۱- حَلَق ۲- جَوْف (فضای خالی داخل دستگاه تکلم)
- ۳- زبان ۴- زبان کوچک ۵- سقف دهان
- ۶- لب پایین ۷- ثنایای پایین ۸- ثنایای بالا
- ۹- برآمدنی پشت دندان ثنایا ۱۰- لب بالا
- ۱۱- بینی ۱۲- مجرای بینی ۱۳- غشیشوم (فضای خالی داخل بینی)

جوف

فضای خالی داخل حلق و دهان را که محل عبور هوا و امواج صوتی است جوف گویند (۱) در موضع جوف، یک مخرج وجود دارد و آن اختصاص به سه حرف الف، و او و یاء مدی دارد.

در نظر قدما این مخرج، مخرج مقلد یا فرضی است زیرا هیچ نقطه خاصی از جوف در تلفظ این حروف، آنگونه محدود و تنگ نمی‌شود که بتوان جایگاه ویژه‌ای را به تولید آنها اختصاص داد. بر خلاف سایر حروف که دارای جایگاه تولید معین و محدود و مخرج محقق هستند.

حلق، مجرای است که در حد فاصل میان سینه (صدر) و دهان واقع شده است. صاحب کتاب منح‌الفکریه محدوده حلق را اینگونه تعریف نموده است: «ابتدای حلق مجاور زبان و آخر آن مجاور سینه قرار دارد» (۲) در حلق، سه جایگاه تولید یا مخرج وجود دارد که بر اساس خروج هوا به ترتیب از پایین به بالا عبارتند از:



مخرج حروف حلقی

الف) اقصی الحلق : به آخرین قسمت حلق که در مجاورت سینه قرار دارد و جایگاه تولید /ه/ و/و/ می باشد، اقصی الحلق گویند.

عده‌ای از گذشتگان، جایگاه تولید این دو حرف را یکی دانسته‌اند، همچون سیبویه و عده‌ای چون ابوالعباس مبرّد و تابعان وی، همزه را قبل از هاء می دانند. (۳)

شایان ذکر است که تحقیقات جدید آواشناسی ثابت می‌کند که /ه/ و/و/ مستقیماً در حنجره تولید می‌شوند، همانگونه که ابن‌سینا دانشمند بزرگ ایرانی نیز به این حقیقت پی برده است. تنی چند از قدما نیز محل تلفظ /ه/ را «صدر» دانسته‌اند که با تحلیل ما از دستگاه تکلم انسان قابل انطباق با حنجره است. توضیحات بیشتر پیرامون این موضوع در مقالات بعدی خواهد آمد.

ب) وسط الحلق : قسمت میانی حلق که جایگاه تلفظ /ع/ و/و/ح/ است، وسط الحلق نامیده می‌شود.

ظاهر کلام سیبویه چنان است که حاء پس از عین قرار دارد. /ح/ از حروفی است که اختصاص به زبان عربی دارد و /ع/ از حروفی است که در عربی استعمال زیادی دارد و به ندرت در دیگر زبان‌ها یافت می‌شود.

ج) ادنی الحلق : به نزدیکترین بخش حلق به دهان که جایگاه تلفظ /غ/ و/و/خ/ است، ادنی الحلق گفته می‌شود. در ترتیب سیبویه ابتدا /غ/ و سپس /خ/ ثبت شده است.

قدما با توجه به جایگاه تولید حروف، آنها را در گروه‌هایی قرار داده و برای هر یک القابی معین نموده‌اند مانند حروف جوفی یا هوائیه. به شش حرف /ه/ ع/ ح/ غ/ خ/ نیز حروف حلقی گفته‌اند زیرا در نظر ایشان جایگاه و مخرج این حروف، حلق می‌باشد.

در این موضع ده مخرج برای تلفظ هیجده حرف وجود دارد.
در تلفظ هیجده حرف، چهار بخش زبان دارای نقش اساسی می‌باشند که عبارتند

از :

اقصى اللسان (۴)، وسط اللسان (۵)، طرف اللسان (۶)، حافة اللسان (۷).
اکنون به توصیف هر یک از مخرج‌های دهگانه زبان (از انتها به جلو) می‌پردازیم :

الف) اقصى اللسان (انتهای زبان) : در این موضع از زبان، مخرج حروف ذیل است :

/ق/ : اقصى اللسان (آخرین بخش زبان که در مجاورت حلق است) و بخش بالای آن از حنک (سقف دهان).

/ک/ : اقصى اللسان (کمی جلوتر از مخرج قاف) و بخش بالای آن از حنک. خلیل (قاف و کاف) را به لهاة نسبت داده است و به همین دلیل به آنها «لهوی» می‌گویند. (۸)

ب) وسط اللسان : در میانه زبان مخرج حروف ذیل وجود دارد :

/ج ش ی/ : مابین وسط اللسان و حنک اعلى. منظور از /ی/ یاء متحرک و یاء غیرمدی است. از نظر قدما، مخرج یاء مدی، جوف می‌باشد. به این حروف شجرى گویند. شجر همان شکاف دهان یا فاصله‌ای است که میان زبان و حنک به وجود می‌آید.

ج) حافة اللسان (کناره زبان) :

/اض/ : ابتدای حافة اللسان و آن قسمت از اضراس که مجاور آنست (چپ یا راست).

تلفظ ضاد از جانب چپ آسانتر است. اگر چه تلفظ آن از جانب راست یا دو طرف زبان نیز ممکن است. (در فک بالا)

ضاد از حروفی است که تلفظ آن برای عرب بسیار دشوار بوده است. بدین سبب که در تولید ضاد اضراس دخالت دارند، به آن «ضرسى» می‌گویند.

د) طرف اللسان (سر زبان) :

/ال/ : مابین بخشی از کناره زبان و طرف اللسان و بین لثه دندان‌های ضاحک، ناب، رباعیة و ثنیة.

تلفظ لام از هر دو کناره زبان نیز ممکن است، گر چه از طرف راست آسانتر است (بر خلاف ضاد که از طرف چپ آسانتر تلفظ می‌شود). لام، در میان حروف عربی

دارای وسیع‌ترین مخرج است. (۹) زیرا وسعت مخرج آن از حافه تا انتهای طرف‌اللسان است که لثه چهار دندان را در بر می‌گیرد.

ن/ : میان سر زبان و لثه ثنایای بالا در حالی که صدای آن، از خیشوم خارج می‌شود.

ر/ : میان سر زبان و لثه ثنایای بالا به گونه‌ای که ظهراللسان (قسمتی از روی سر زبان) نیز در تلفظ آن دخالت دارد.

البته نظر قراء و جمعی دیگر از علما آن است که مخرج لام و راء و نون، سر زبان و قسمتی از کام که در مقابل آن قرار دارد، می‌باشد. (۱۰) خلیل این حروف را ذلقیه یا ذوقیه نامیده است زیرا همگی از سر زبان (ذلق) خارج می‌شوند.

ط، د، ت/ : طرف‌اللسان و اصول ثنایای بالا و این در حالی است که زبان به سوی حنک بالا می‌رود.

این حروف را نطعیه نامیده‌اند. زیرا از نطع‌الغار (۱۱) (سقف دهان) تلفظ می‌شوند. نویسنده کتاب منح‌الفکریه درباره وجه تسمیه این حروف به «نطعیه» می‌نویسد: «به این حروف سه‌گانه نطعیه گویند، زیرا از نطع غار یعنی سقف دهان خارج می‌شوند. غار، عبارت است از داخل حنک و تحقیق آن است که آنها را به این دلیل نطعیه نامیده‌اند که مخرجشان در مجاورت نطع غار بالا (فرورفتگی سقف دهان) است نه اینکه از محل نطع تلفظ می‌شوند. (۱۲)

ص، س، ز/ : طرف‌اللسان و کمی بالاتر از ثنایای پایین. برخی نیز چنین گفته‌اند: از طرف‌اللسان و سر ثنایای پایین. (۱۳) این حروف را «أسلیه» نامیده‌اند زیرا از أسلة‌اللسان یا تیزی سر زبان خارج می‌شوند.

ظ، ذ، ث/ : طرف‌اللسان و سر ثنایای بالا. خلیل این حروف را «ثوثیه» نامیده است زیرا ثنایای بالا در لثه قرار دارند.

در این موضع دو مخرج وجود دارد و چهار حرف از آن تولید می‌شود.

ف/ : لب پایین و سر دندان‌های بالا.

ب، م، و/ : بین دو لب.

در تلفظ «باء و میم»، لب‌ها بر هم منطبق می‌شوند. اما در تلفظ «واو» لب‌ها باز

است این حروف را «شقوقیه» گویند زیرا از لب‌ها خارج می‌شوند.

خیشوم، جایگاه خروج غَنَه است. غنه از صفات به شمار می‌رود و در نون و میم ساکن، در حالت اخفاء یا ادغام با غنه وجود دارد. (۱۴)

شایان ذکر است که در این مورد بین مجرا و مخرج حروف، خلط پیش آمده و به همین سبب عده‌ای از گذشتگان در مورد مخرج نون و میم ساکن دچار اضطراب گردیده‌اند که در جای خود به آن خواهیم پرداخت.

ادامه دارد

منابع و مصادر

- ۱- عزت عبید دعاس، فن التجوید، چاپ هفتم، جمص، مکتبه الغزالی، ۱۹۷۷ م، ص ۵۸
- ۲- علی بن سلطان محمد القاری، المنح الفکریه، قاهره، مطبعة الخلی، ۱۳۴۷ ق، ص ۱۱.
- ۳- شهاب‌الدین القسطلانی، لطائف‌الاشارات لفنون القراءات، قاهره، مطابع الاهرام، ۱۳۹۲ ق، ج ۱، ص ۱۸۹
- ۴- Back of tongue
- ۵- front of tongue
- ۶- Tip of tongue
- ۷- Edg of tongue
- ۸- شهاب‌الدین القسطلانی، پیشین، ج ۱، ص ۱۹۰
- ۹- علی بن سلطان محمد القاری، پیشین، ص ۱۳
- ۱۰- شهاب‌الدین القسطلانی، پیشین، ج ۱، ص ۱۹۳
- ۱۱- نطع با نطع: ظهر الغار الاعلی، و هو موضع اللسان من الحنک. (المعجم الوسیط)، ما ظهر فی داخل الفم من الغار العلی فیہ آثار کانتھریز و هناك موقع اللسان من الحنک (المنجد)
- ۱۲- علی بن سلطان محمد القاری، پیشین، ص ۱۴
- ۱۳- همان
- ۱۴- شهاب‌الدین القسطلانی، پیشین، ص ۱۹۴